

Sociological Survey of Inter-Ethnic Social Distance among Students (Case Study: Kashan University)

Akbar Zolfeghari

Assistant Professor of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Taha Ashayeri *

Assistant Professor of Sociology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

Amrullah Keshavarz

Assistant Professor of Sociology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Abstract

Social distance is the degree of distance and closeness of individuals and ethnic groups. Iran is a multi-ethnic society with a different ethnic geographical structure and with diverse ethnic rituals. This has made the existence of social distance a natural thing. The university is home to a variety of ethnic groups. Accordingly, the main purpose of the research is to survey the sociological distance among students. The research method is survey (quantitative) and its tool is a questionnaire. The level of reliability of the variables was confirmed using Cronbach's alpha and the sample size was determined to be 461 using the Cochran's formula. Findings show that the average social distance among men is higher than in women; It is more than urban among villagers and more than married among single people. Findings also indicate that the relationship between social capital (trust, cohesion and participation), social prejudice, stereotypes, social discrimination, historical differences and social cognition and awareness with social distance is significant. The regression results show that the coefficient of determination is equal to 0.349.

Key Words: Social Distance, Social Capital, Geographical System, Historical Disputes

* Corresponding Author: t.ashayeri@gmail.com

How to Cite: Akbar Zolfaghari, A; taha ashayeri, T; Amrullah Keshavarz, A. (2022). Sociological Survey of Inter-Ethnic Social Distance in Students(Case Study: Kashan University), *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 14 (51), 135-167.

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی
دوره سیزدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۴۰۱، ۱۳۵-۱۶۷
qjssd.atu.ac.ir
DOI: doi.org/10.22054/qjssd.2022.58340.2120

پیمایش جامعه‌شناختی فاصله اجتماعی بین قومی در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه کاشان)

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

akbar.dowalfqaryi@id

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

taha.eshayri@id*

استادیار علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

amrallah.kshaurz@id

چکیده

فاصله اجتماعی همان درجه دوری و نزدیکی افراد و گروهایی قومی است. ایران جامعه‌ای چند قومی با ساختار جغرافیایی قومی متفاوت و همراه با مناسک قومی متنوع است. همین امر وجود فاصله اجتماعی را امری طبیعی نموده است. دانشگاه محل حضور افراد با گروه‌های قومی متنوع است. بر این اساس هدف اصلی پژوهش پیمایش جامعه‌شناختی فاصله اجتماعی بین دانشجویان است. روش پژوهش از نوع پیمایش (کمی) و ابزار آن پرسشنامه است. سطح پایایی متغیرها با استفاده از آلفای کرونباخ تأیید و حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۴۶۱ نفر تعیین گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین فاصله اجتماعی در بین مردان بیشتر از زنان؛ در بین روستائیان بیشتر از شهری و در بین افراد مجرد بیشتر از متأهل است. یافته‌ها همچنین حکایت دارد رابطه بین سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت)، تعصب اجتماعی، تصورات قالبی، تبعیض اجتماعی، اختلافات تاریخی و شناخت و آگاهی اجتماعی با فاصله اجتماعی معنی‌دار است. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد ضریب تعیین برابر با ۰,۳۴۹ است.

واژه‌های کلیدی: فاصله اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نظام جغرافیایی، اختلافات تاریخی

مقدمه و بیان مسئله

فاصله اجتماعی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن گروه‌ها برحسب اعتقادات، عادت‌ها، رفتارها، خصوصیات ظاهری و دیگر ویژگی‌ها باهم متفاوت هستند و همین خصایص آن‌ها را به‌عنوان یک هویت می‌نمایاند (Akerlof, 1997: 1025) فاصله اجتماعی بخشی از سنت جامعه‌شناسی است که با کار زیمل (Simmel, 2015: 115) در صورت‌های جامعه‌شناسی شروع شد. در مکتب شیکاگو مطالعات بوگاردوس (Bogardus, 1992: 216-217) از تحقیقات بزرگی در زمینه مطالعه فاصله اجتماعی است که به بررسی سطح فاصله اجتماعی بین قومیت‌ها پرداخته است. سرزمینی که اکنون ایران نامیده می‌شود، همواره زیستگاه اقوامی با فرهنگ‌های گوناگون بوده است. این سرزمین پیش از آمدن آریایی‌ها یعنی زمانی که هنوز به‌صورت یک کشور یکپارچه نیامده بود، مسکن ایلامی‌ها، کاسیت‌ها، لولویی‌ها و گوتی‌ها بوده است.

بعد از ورود آریایی‌ها در هزاره اول پیش از میلاد و تأسیس امپراتوری عظیم هخامنشی به‌وسیله کوروش کبیر، ایران به‌عنوان پهناورترین و قدرتمندترین امپراتوری دنیای باستان در عرصه گیتی ظاهر شد و توانست ملل و اقوام گوناگون را با فرهنگ‌های مختلفی در زیر یک پرچم متحد گردآورد (گودرزی، ۱۳۸۴: ۲۱). ایران کشوری است چند قومیتی که از اقوامی با فرهنگ، آداب و رسوم و شیوه‌های زندگی متفاوتی تشکیل شده و هر کدام در جغرافیایی متفاوت با آب و هوا و زیست‌بوم متفاوتی زندگی می‌کنند. به همین خاطر وجود فاصله اجتماعی بین اقوام و خرده‌فرهنگ، امری عادی و امری طبیعی است که ریشه‌های تاریخی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دارد و ممکن است این مسئله در کنار باورهای فکری قومی، آیین‌های جمعی و مناسک اجتماعی و شرایط فرهنگی اقوام از تصورات قالبی شکل گرفته باشد.

در مجموع وجود فاصله اجتماعی، خودبه‌خود یک تصور قالبی ایجاد می‌کند که مرزهای اجتماعی بین اقوام و گروه‌ها را زیاده‌تر کرده و باعث می‌شود که در تعامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، افراد قومی با پیش‌زمینه یا دستورالعمل از قبل طراحی شده

باهم برخورد کنند، این امر همزیستی جمعی قومی را در یک زیست مکان با بحران روبرو کرده و در بعد اجتماعی-فرهنگی با ازدواج درون‌گروهی، گروه‌بندی شدید، سرمایه اجتماعی منفی و باورهای منفی با ساختن جک و لطیفه همراه است.

دانشگاه به‌مثابه نهاد فرهنگی جامعه در سطح کلان، نقش مهمی در کاهش فاصله اجتماعی و ایجاد نوعی تعامل فرهنگی مثبت بین اقوام بر عهده دارد. این نهاد در ایران به دلیل تبدیل شدن آن به یک جامعه باز، پذیرای دانشجو از اقوام گوناگون است. زبان، فرهنگ قومی، قومیت، جغرافیای قومی و خصیصه‌های قومی، به‌عنوان مانع ورود به دانشگاه تلقی نمی‌شود، بر این اساس، دانشگاه‌های ایران، دارای دانشجویانی چند قومی و ناهمگون از لحاظ قومیت و فرهنگ‌های قومی هستند.

در پی این وضعیت، فاصله اجتماعی در بین اقوام در سطح دانشگاه نیز دیده می‌شود که چنین پدیده‌ای مانع از همکاری متقابل و صمیمانه در زمینه مباحث اجتماعی و علمی نیز می‌شود و اقوام تا حدودی سعی دارند باهم فرهنگ و هم قوم خود تعامل داشته باشند و یا در خوابگاه‌های دانشجویی در کنار هم قوم و هم فرهنگ خود قرار بگیرد که دارای معایب و مزایایی است و از مزایای آن می‌توان به همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌ها، عدم استرس و فشار اجتماعی، کاهش نزاع بین دانشجویان و تعامل و اعتماد متقابل اشاره نمود، اما اثر منفی آن شامل تضعیف ارتباط بین فرهنگ و اقوام مختلف، عدم فرصت برای آشنایی با اعضای فرهنگ برون‌گروهی، کاهش سرمایه اجتماعی، کاهش تعاملات روزمره، فردگرایی علمی و گاهی نزاع و درگیری است.

به‌زعم تاجفل عوامل تعیین‌کننده در فاصله اجتماعی، ملی، شغلی، نژادی، مذهبی هستند که وزن بیشتری در تفاوت‌های فرهنگی به خود اختصاص می‌دهند (Tajfel, 2010:112). مرزهای بین قومی، الگویی از تعامل اجتماعی هستند که باعث تقویت و افزایش هویت گروهی قومی می‌شوند (Sanders, 1993: 78). فاصله و مرزهای قومی توسط جامعه‌شناسان و پژوهشگرانی چون سندرس (Sanders, 1993) و بروون (Brown, 2000: 756) بررسی شده است.

هر گروه قومی مرزهایی برای تفکیک و شناسایی خود از دیگران استفاده می‌نماید. این مرزها و فاصله از طریق الگوی تعامل اجتماعی و نحوه تعامل مشخص می‌شود (Andrew, 2010: 75-78). مرزهای جغرافیایی با عناصر فرهنگی و اجتماعی نیز مشخص می‌شوند (Bogardus, 1940; Morrissey, 1992; Sanders, 1993; Tajfel, 2010). مشخصه عناصر فرهنگی، تفاوت گروه قومی در باورها، هنجارها، تعاملات فرهنگی و آداب و رسوم است و تمایز فرهنگی نیز منجر به تقویت فاصله اجتماعی می‌گردد. این شرایط تعامل اجتماعی بین گروه‌های قومی، مرزها و فاصله بین گروه‌های قومی را نشان می‌دهد.

فاصله اجتماعی بین دو گروه وقتی است که از لحاظ منزلت متفاوت بوده و سطح همدلی و همدردی پایین و همچنین صمیمیت و تعامل بین آن‌ها در حد پایینی باشد. در این ارتباط، فاصله اجتماعی بین اقوام بخشی از نقش - منزلت اجتماعی است که کارکرد آن حفظ طبقه‌بندی قومی - نژادی و سلسله مراتبی است. فاصله اجتماعی پدیده پنهان اجتماعی است که بایستی کشف شود؛ زیرا در جوامع پیچیده امروزی، فاصله اجتماعی به امری نگرشی و اعتقادی تبدیل شده است و تصورات قالبی همواره بر ارتباطان تأثیر می‌گذارد، وقتی ما با اعضای فرهنگی دیگر ارتباط برقرار می‌کنیم، در مقایسه با شخصی که از فرهنگ خودمان است، تصورات قالبی بسیار بیشتر به ارتباط ناکارآمد منجر می‌شود (گودیکانستگ، ۱۳۸۳: ۹). بر این مبنا، اهداف اصلی پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- ۱- فاصله اجتماعی در بین گروه‌های قومی به چه میزان است؟
- ۲- چه عواملی در افزایش فاصله اجتماعی بین قومی تأثیرگذار است؟
- ۳- چگونه می‌توان میزان فاصله اجتماعی بین گروه‌های قومی را کاهش داد؟

رویکردهای نظری پژوهش

فاصله اجتماعی: برای ارزیابی نگرش‌ها نسبت به گروه بیرونی بخصوص، آن‌هایی که هویت اجتماعی‌شان دچار تنزل یا بدنام شده‌اند، بکار می‌رود (Bogardus, 1940; Morrissey, 1992; Rotberg, 2010; Turner, 1999). این فاصله، مرزهای قومی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و از طریق درجه نزدیکی و دوری گروه مشخص می‌گردد. فاصله اجتماعی برای اندازه‌گیری تمایل افراد به مشارکت در موقعیت‌های اجتماعی نیز بکار می‌رود. دانشمندان علوم اجتماعی از سال ۱۹۵۰ به بعد در جامعه آمریکا تحقیقاتی را در زمینه فاصله اجتماعی و تعیین سطح پیش‌داوری گروه‌ها انجام دادند. مطالعات نشان می‌دهد که آمریکایی‌های سفیدپوست که در جامعه مسلط‌اند، مرتباً تمایل دارند که باهم قومی خود نشست و برخاست داشته و ازدواج نمایند. اگر حق انتخابی به سفیدها داده شود، آن‌ها گرایش به این دارند که بیشتر با اسپانیایی‌ها تعامل نمایند تا سیاهان (Allport, Clark, & Pettigrew, 1954; Bobo & Kluegel, 1997; Bogardus, 1992; Herring & Amisshah, 1997) بر این اساس در ادامه به تعاریف فاصله اجتماعی از دید متفکران پرداخته شده است.

گونه‌های فاصله از دیدگاه هال

۱. فاصله صمیمی^۱: این فاصله دو بعد دارد: الف. فاصله صمیمی نزدیک^۲: نوازش و درگیری از رفتارهای معمول در فاصله صمیمی نزدیک هستند. در این حالت قوانین رعایت فاصله به شدت کاهش می‌یابند. حس بویایی و احساس گرما افزایش می‌یابند. در این فاصله گفتگو نقش بسیار کمی در ارتباط دارد و اکثر فرآیند ارتباط از طرق دیگر است. ب. فاصله صمیمی دور^۳: فاصله بین ۱۵ تا ۴۵ سانتیمتر، هال می‌گوید در این فاصله سر، ران و لگن به راحتی باهم تماس ندارند اما در مقابل دست‌ها به راحتی می‌توانند به هم برسند.

-
1. Intimate Distance
 2. Close phase
 3. Far phase

۲. فاصله شخصی^۱: در فاصله شخصی، فرد یک فضای حفاظتی برای خود قائل است و دو بعد دارد: الف. فاصله شخصی نزدیک: فاصله بین ۴۵ تا ۷۶ سانتیمتر که در این فاصله شخص می تواند افراد دیگر را نگه داشته یا بگیرد. ب. فاصله شخصی دور: فاصله بین ۷۶ تا ۱۲۱ سانتی متر که خارج از دسترس است و تماس فیزیکی سهل نیست. بحث‌ها پیرامون موضوعات مورد علاقه و سطح صدا متعادل است.

۳. فاصله عمومی^۲: این فاصله دو بعد دارد: الف. فاصله عمومی نزدیک: فاصله بین ۳۶۵ تا ۷۶۲ سانتیمتر را شامل می شود. در این فاصله یک فرد هوشیار در صورت تهدید می تواند فرار کند و یا حالت تهاجمی یا دفاعی به خود بگیرد. صدا بلند است اما نه در آخرین سطح آن. انتخاب کلمات و جملات دقیق صورت می گیرد و به این دلیل زبان شناسان آن را سبک رسمی^۳ توسط مارتین جوز^۴ نام نهاده اند. ب. فاصله عمومی دور: فاصله ۷۶۲ سانتیمتر و بیشتر فاصله عمومی دور است. از خصوصیات مهم آن اغراق، استفاده از حرکات دست و بدن و کاهش سرعت کلام است.

۴. فاصله اجتماعی^۵: خط مرزی بین فاصله شخصی دور و فاصله اجتماعی نزدیک خطی را مشخص می کند که به آن خط تسلط^۶ گفته می شود و دو بعد دارد: الف. فاصله اجتماعی نزدیک: فاصله بین ۱۲۱ تا ۲۱۳ سانتیمتر که کارهای غیرشخصی در این فاصله انجام می گیرد. برخوردها در فاصله اجتماعی نزدیک بیشتر است. افرادی که باهم کار می کنند و یا کسانی که در همایش شرکت کرده اند از این فاصله استفاده می کنند. ب. فاصله اجتماعی دور: فاصله بین ۲۱۳ تا ۳۶۵ سانتیمتر و فاصله ای است که مردم در آن جابجا می شوند. میزهای اداری افراد مهم نسبت به مراجعه کنندگان این فاصله را ایجاد

-
1. Personal Distance
 - 2 Public Distance
 3. Formal Style
 4. Martin Joos
 5. Social Distance
 - 6 Limit of Distance

می‌کند. در این فاصله ظرایف صورت محو می‌شود، اما بافت پوست و موها قابل تشخیص‌اند (جعفرمحمدی، انصاری، و بمانیان، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

زیمِل: فاصله اجتماعی، نتیجه احساس یا نگرش گروه یا نوع جامعه‌پذیری است که در یک جامعه نسبت به فرد بیگانه وجود دارد. در نظر اعضای گروه، بیگانه مشخصه سرگردان یا به‌مانند مسافر بالقوه‌ای می‌ماند که با گروه خودی دارای فاصله بسیاری است (زیبرا، ۱۳۸۵: ۵۳).

موریسی و اوپرا: فاصله اجتماعی به درجات مختلفی از نزدیکی یا دوری بین اعضای گروه اجتماعی اطلاق می‌شود که با توجه به نوع موقعیت، این فاصله رد یا پذیرفته می‌شود (Morrissey, 1992:123; Opara, 1968:13-14).

بوگاردوس: فاصله اجتماعی به حالتی از تبعیض نژادی یا جداسازی اطلاق می‌شود که بین افراد، افراد و گروه‌ها یا گروه با گروه رایج بوده و تابعی از فاصله عاطفی بین اعضای دو گروه است. در بررسی آن تمرکز بر روی احساس بین افراد و گروه‌های جامعه است (Bogardus, 1992).

پیشینه تجربی پژوهش

جدول ۱- پیشینه تجربی تحقیق

نویسندگان	نتایج
تحقیقات داخلی	
یوسفی (۱۳۸۰: ۲۹-۳۰)	با افزایش همکاری بین قومی که از ترکیب سه نوع رابطه فکری، عاطفی و معیشتی اقوام حاصل می‌شود، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی افزایش می‌یابد و در مقابل با افزایش تعارض و تخاصم قومی، تعلق و وفاداری به اجتماع ملی تضعیف می‌گردد.
عبداللهی و قادر زاده (۱۳۸۳: ۱۳)	فاصله شدید بین قومیت‌ها وجود دارد و عواملی مثل فقر فرهنگی و اقتصادی، تفاوت زبانی و مذهبی، میزان و پهنه تعاملات افراد با اعضای سایر قوم عامل فاصله اجتماعی است؛ و همین مسئله منجر به تضعیف تعاملات بین گروهی و تشدید تعاملات درون‌گروهی شده است.
یوسفی و اصغر پور ماسوله (۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۴۰)	میزان قوم‌مداری در نزد همه اقوام ایرانی بالاست، درعین‌حال کمترین قوم‌مداری از آن عرب‌ها و بیشترین قوم‌مداری از آن قوم بلوچ است. ثانیاً قوم‌مداری از یک‌سو سبب تضعیف روابط همزیستی فرهنگی و اقتصادی و از سوی دیگر باعث تشدید روابط تعارض در بین اقوام می‌گردد و ثالثاً قوم‌مداری مانع از شکل‌گیری تنوع هویت قومی در شبکه روابط بین قومی می‌گردد.
حیدری ساریان (۱۳۹۸: ۵۴)	رابطه معنادار بین فاصله اجتماعی با ساختار جغرافیایی، سرمایه اجتماعی گروهی، اعتماد سیاسی و مشارکت اجتماعی وجود دارد.
تحقیقات خارجی	
براون (Brown, 2000)	جنگ و اختلافات اجتماعی، تعارضات سیاسی و فرهنگی، کشمکش بین قومی از عوامل اصلی در افزایش فاصله اجتماعی بین گروه‌ها محسوب می‌شود.
مجا کندیدو (Kandido-Jakšić, 2008:153-154)	تصورات قالبی، تعاملات اجتماعی، سن، قومیت و سطح تحصیلات در ازدواج درون‌گروهی و برون‌گروهی تأثیر داشته و میزان فاصله اجتماعی بین گروه‌های قومی بسیار زیاد است.
فoster (Foster, 2009:155)	بین سن، جنسیت، سطح پیش‌داوری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان آگاهی از فرهنگ اقوام دیگر، باورهای تاریخی و پنداشت اجتماعی اقوام با فاصله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
ساربرو و اومندی (Omondi & Scarboro, 2014:7-9) (Omondi & Scarboro, 2014:7-9)	سطح تحصیلات، هواداری از تیم فوتبال و محل زندگی در ایجاد فاصله اجتماعی تأثیر دارد.

<p>مٹیو و متلوک (Matthews & Matlock, 2011:189)</p>	<p>طبقه اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فضای زیستی، وضع اجتماعی و مالی در شکل‌گیری فاصله اجتماعی تأثیر دارد.</p>
<p>یاماکاوا و همکاران (Yamakawa, Kanai, Matsumura, & Naito, 2009:5-6)</p>	<p>فاصله اجتماعی با میزان تعامل اجتماعی ارزیابی می‌شود و بی‌اعتمادی، سوءظن، فضای اجتماعی و منزلت اجتماعی در آن تأثیر دارد.</p>
<p>کراکالی (Karakayali, 2009: 560)</p>	<p>فاصله اجتماعی بین گروه‌های قومی امری طبیعی بوده و سن، تحصیلات، جنسیت، تفاوت فرهنگی، رنگ پوست و نژاد و اعتماد اجتماعی در فاصله اجتماعی تأثیر دارد.</p>

نوآوری پژوهش فعلی

فاصله اجتماعی به وجود فاصله بین گروه و اقوام گفته می‌شود که نه تنها فاصله فیزیکی، بلکه فاصله عاطفی را نیز شامل می‌شود. مطالعه فاصله اجتماعی در ایران به دلیل اهمیت استراتژیک آن در سطح جهان و ساختار چند قومی آن، حائز اهمیت است و در ایران مطالعات مختلفی از جمله یوسفی (۱۳۸۰)، عبدلهی و قادر زاده (۱۳۸۳) و یوسفی و اصغر پور ماسوله (۱۳۸۸) انجام داده‌اند، این مطالعات درباره فاصله اجتماعی بین قومی دارای نتایج مناسبی است. اما در سطح دانشگاه و بین دانشجویان اجرا نشده است، مسئله‌ای که در زیست جمعی، تعامل علمی و توسعه علمی و ملی امری قابل توجه است، به این خاطر این مطالعه قصد دارد، ضمن مراجعه به آثار تجربی صورت گرفته، این پژوهش را در یک محیط دانشگاهی کاشان (چند قومی به دلیل نزدیکی به اکثر استان‌های کشور) با دیدگاهی جامعه‌شناختی انجام دهد.

چارچوب نظری پژوهش

رابرت پارک: وی فاصله اجتماعی را برای فهم روابط بین قومی و نژادی بکار برده است و درجه نزدیکی یا میزان نفوذی را که هر کس بر دیگری اعمال می‌کند، اندازه‌گیری

می‌کند. هر چه فاصله اجتماعی در میان افراد بیشتر باشد، میزان نفوذ متقابل آن‌ها کمتر می‌شود و برعکس. به‌زعم وی، اصطلاح‌هایی چون آگاهی نژادی و طبقاتی بیانگر فاصله اجتماعی بین گروه‌ها و نوعی حالت ذهنی که طی آن به فواصل بین خود و دیگری یا افرادی از قوم دیگر آگاه می‌شویم که ما را از طبقات و اقوامی که آن‌ها را به‌خوبی نمی‌شناسیم، متمایز می‌سازد.

فاصله اجتماعی ارتباطی عمیق با تعصب و عقاید قالبی نسبت به دیگران دارد و گرایش کم‌وبیش غریزی و خودانگیخته‌ای است که به حفظ این فاصله کمک می‌کند و پدیده‌ای جامعه‌شناختی و همه‌جایی است. چون انسان با گرایش‌های خاصی به دنیا می‌آید و تمایل‌های دیگری نیز در طی زندگی و در تعاملات اجتماعی به دست می‌آورند، پس یک انسان بدون تعصب، یک انسان بدون اعتقاد و بدون شخصیت است. دوستی و دشمنی در این حالت ملازم یکدیگرند.

تعصب و فاصله اجتماعی از جنبه‌های از بین نرفتنی اجتماع بشری هست و یک نوع پدیده شایع اجتماعی است و هر فردی که در برابر ما قرار می‌گیرد به ناگزیر در ذهن ما در مقوله متمایزی جای می‌گیرد. هر شخصی که با او روبرو می‌شویم برحسب خصیصه‌ای که در ذهنمان دارد او را تمایز و طبقه‌بندی و در مقوله خاصی قرار می‌دهیم. درنهایت این فاصله اجتماعی از بعد منزلتی در دو حالت منزلت بالا و پایین وقتی شکل می‌گیرد که فرد بدون مقاومت و کشمکشی، آن را پذیرا باشد (کوزر، ۱۳۸۹: ۴۷۹ و ۴۸۰).

پارسونز: وی گروه قومی را به‌عنوان یک مجموع خویشاوندی واحدی تعریف می‌کند. اگر تبار این گروه را بررسی کنیم، اجداد و نیای مشترکی دارند و همه آن‌ها به یک گروه قومی تعلق دارند. در نظریه عمومی نظام پارسونز، قومیت همانند نظام آموزشی و خانواده به‌نظام اعتقادی خاصی تعلق دارد.

رفتار یکپارچه گروه قومی به‌عنوان عملی اخلاقی برای نگهداری ارزش‌های فردی و جمعی است. ادموند برک استدلال می‌کند که نمادهای قومی مثل، زبان، مذهب، آداب و سنن مرسوم، نوع غذا خوردن، فرهنگ لباس پوشیدن نوعی از ارتباط بین اقوام را در گذشته، حال و آینده تثبیت می‌کند (Malesevic, 2004: 47-48).

اقوام وقتی در محیط اجتماعی، آداب و رسوم مختلف و متفاوتی را در پیش بگیرند به خاطر نبود تعاملات اجتماعی فاصله بین اقوام اتفاق خواهد افتاد و چنین نگرشی با پیش‌داوری و تصورات قالبی همراه است و باعث می‌شود که نسبت به هم نگرش خصمانه داشته باشند و از همکاری نسبت به هم، اجتناب نمایند (Hagendoorn, 2014: 17). فاصله قومی باعث تقویت مرزهای گروه قومی خواهد شد. جوامعی که چند قومی هستند و مرزهای قوی قومی بین گروه‌ها وجود دارد، ایجاد یکپارچگی اجتماعی دشوار است؛ چراکه روابط قومی یکپارچه و فاقد اختلاف برای موفقیت‌های ملی امری ضروری است.

آتوسان: به‌زعم، اتوسان، آموزش در کاهش فاصله اجتماعی تأثیر مثبتی دارد. اگر قوم‌گرایی یا نژادپرستی ماهیت نظام آموزشی کشور باشد، پس نژادپرستی و قومیت‌گرایی نیز نتایج آن خواهد بود. در این حالت دانش‌آموزان در مدرسه یا دانشگاه مربوط به گروه قومی خود ثبت‌نام می‌کنند و با گروه‌های قومی خود تعامل داشته و از همکاری در محیط اجتماعی با غیرخودی فاصله می‌گیرند. در این حالت از گروهی قومی خود، دوستانی نیز انتخاب می‌نمایند. مدارس و خانه‌ها در مکانی جدا از هم ساخته می‌شوند که یک گروه قومی بر آن منطقه سیطره دارند. تحصیل کرده‌ها، فرصت خوبی برای برقراری ارتباط بین اقوام دارند (یان‌دیس، ۱۳۸۹: ۲۳۵). به‌هرحال از طریق آموزش می‌توان، فاصله بین گروه‌ها را از طریق برقراری تعامل اجتماعی بین گروه‌های قومی کاهش داد (Sanders, 1993).

آلپورت: بر اساس نظریه آلپورت (Allport et al., 1954: 61) روابط بین گروهی با وجود چهار شرط اساسی تأثیر مثبتی در کاهش تعصب و پیش‌داوری خواهد داشت: ۱- وجود تعامل و همیاری اجتماعی بین قومیت‌ها در وضعیت مشابه؛ ۲- مشارکت در اهداف مشابه؛ ۳- پایگاه گروهی مشترک و ۴- یکپارچگی گروهی از سوی مقامات دولتی حمایت شود. در میان اقوام و گروه‌های اجتماعی، سطح فاصله اجتماعی به این بستگی دارد که در یک فرهنگ خاص، چه ویژگی‌هایی مطلوب تصور می‌شود. به‌طور کلی هر چه رقابت برای به دست آوردن منابع کمیاب با مردمی که ویژگی خاصی دارند، بیشتر باشد، فاصله اجتماعی بیشتری شکل خواهد گرفت. عوامل تاریخی در رابطه با نزاع بر سر قلمرو و

پیمایش جامعه شناختی فاصله اجتماعی بین...، ذوالفقاری و همکاران | ۱۴۷

منابع، عدم تشابهات نژادی، مذهبی، زبانی، موقعیت اقتصادی، ایدئولوژی سیاسی منجر به ایجاد الگوی منحصر به فرد فاصله اجتماعی می‌شود (یان‌دیس، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

-تریان‌دیس: جوامعی که جمع‌گرا هستند و از قومیت‌های مختلف در فرهنگ جمع‌گرا تشکیل شده‌اند، معمولاً با گروه‌های دیگر فاصله اجتماعی را رعایت می‌کنند. در جوامع فردگرا، فاصله اجتماعی کم بوده و افراد برحسب تخصص باهم تعامل اجتماعی دارند. در جوامع جمع‌گرا، مردم خود را همچون اعضای گروه‌ها تعریف می‌کنند. بر رفتار گروهی تمرکز و بر موقعیت گروه تأکید ورزیده و اهداف شخصی خود را پیرو اهداف درون گروه‌ها قرار می‌دهند. این گروه از عواطف جمعی گروه بیشتر استفاده می‌کنند، دیدگاه‌ها و ارزش‌هایی را مطلوب می‌دانند که بر وابستگی متقابل، امنیت، وظیفه‌شناسی، تعادل درون‌گروهی و سلسله‌مراتب تأکید می‌ورزند، بسیار نگران طرد شدن از جانب گروه‌ها هستند، با یک فرد درون گروه بسیار متفاوت از یک فرد برون گروه رفتار می‌کنند، روابط سلسله‌مراتبی را می‌پذیرند، در پیوستن به گروه‌های جدید، محتاط‌ترند، بعد از پیوستن به گروه‌ها، صمیمیت بیشتری دارند و سعی می‌کنند که هم آبروی خود و هم آبروی دیگران را حفظ کنند. نظم آن‌ها تابع رفتارهای درون گروه است، به هنگام برقراری ارتباط به بستر کلام توجه دارند (یان‌دیس، ۱۳۸۹: ۲۷۶).

فوکویاما: چنانچه یک گروه اجتماعی برون‌گرایی مثبتی نسبت به اعضای گروه‌های دیگر داشته باشد، شعاع اعتماد این گروه از حد داخلی آن فراتر می‌رود. شعاع اعتماد در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است (حاج زمانی، ۱۳۸۶: ۳۱۵). به‌زعم فوکویاما (Fukuyama, 1995: 97) مردم به‌احتمال زیاد به آن‌هایی مایل‌اند، اعتماد نمایند که به‌طور منظم با آن‌ها در تعامل هستند. به این معنی اعتماد اجتماعی، فاصله اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ یعنی با توسعه شعاع اعتماد، فاصله اجتماعی کاهش می‌یابد. اگر مردم قرار باشد با آن‌هایی که اعتماد دارند، تعامل برقرار کنند، فرصت‌های کسب منافع اقتصادی آن‌ها محدودتر می‌شود.

اعتماد اجتماعی در بین قومیت‌ها، نیز متفاوت است. اعتماد اجتماعی اقوام نسبت به هم از تعصب، پیش‌داوری و قوم‌مداری نسبت به هم برمی‌خیزد. وقتی گروه قومی باهم تعامل دارند، ازدواج بین گروهی صورت می‌گیرد، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی حالتی برون گروهی شده و از فاصله اعتماد اجتماعی کاسته می‌شود و سطح بردباری و توانایی افراد در تجزیه و تحلیل مسائل ارزشی و اجتماعی نسبت به هم افزایش خواهد یافت. درگیری در فعالیت‌ها، آموزش مختلط، رفت‌وآمد، شرکت در آیین‌های دسته‌جمعی، حذف تصورات قالبی می‌تواند فاصله بین قومیت‌ها را کاهش دهد. چنین می‌توان نتیجه گرفت که شعاع اعتماد اجتماعی اقوام نسبت به هم تابعی از همیاری و تعامل نیز هست. هر چه سطح تعامل قومی بالاتر رود، اعتماد بیشتر و فاصله اجتماعی کمتر و در نتیجه کمتر متمایل به رفتار خصمانه، تعصبی و قوم‌مدارانه نسبت به هم بر خواهند بود.

فوکویاما از ایده شعاع محور اعتماد استفاده می‌کند. هر چه شعاع اعتماد محدود به اعضای خود گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی بیشتر می‌شود. جنبه‌های منفی سرمایه اجتماعی در بین گروه‌های قومی عبارت‌اند از: ۱- تثبیت نابرابری اجتماعی؛ ۲- از دست دادن خلاقیت و آزادی افراد در پی حمایت گروهی و تقویت همبستگی؛ ۳- تشویق و ترغیب نژادپرستی در پی تأکید بیش‌ازحد بر گروه و شبکه‌های اجتماعی خاص و اینکه ۵- سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابزاری در اختیار نخبگان جامعه است تا به‌وسیله آن بر دامنه امتیازات خود بیفزاید (صیدایی، احمدی‌شاپورآبادی، و معین‌آبادی، ۱۳۸۸: ۷۹).

تاجفل: اختلاف و پراکندگی در جامعه یکی از عوامل مهم تضعیف اعتماد است. جوامعی که اختلاف فرهنگی، قومی، نژادی و مذهبی دارند، تشدید این اختلاف منجر به بی‌اعتمادی در سطح جامعه می‌شود (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۴۲). تاجفل و فورگر (Tajfel & Forgas, 2000: 55) دریافته‌اند که عقاید قالبی در مورد یکدیگر، فاصله طبقات را از همدیگر حفظ و تقویت خواهد نمود. عقاید قالبی به باورهای مشترک درباره ویژگی شخصی، معمولاً خصوصیات شخصیتی و اغلب رفتاری درباره گروه‌های دیگر است. در این شرایط تعصبات قومی همواره مانع اصلی در تعامل دوطرفه میان اقوام بوده و باعث

رفتار پرخاشگرانه و تحریک ناپردباری، جنگ و نزاع قومی شده است. همین نگرش بسترهای ازدواج فرهنگی و بین قومی را نیز از بین می‌برد. در طول تاریخ ازدواج تابعی از هنجار، قواعد و دستورالعمل‌هایی بوده است (Marger, 2014: 87). اکثر ازدواج‌ها بین هم طبقه‌ها، قوم و فرهنگ، هم‌زبان و هم‌مذهب صورت می‌گرفته و با قوم دیگر که از این لحاظ متفاوت هستند، ممنوع بوده است. در نتیجه تعصب قومی، تأثیر منفی بر ازدواج برون‌گروهی داشته و فواصل اجتماعی را زیادتر می‌کند (Kandido-Jakšić, 2008: 153).

فاصله اجتماعی برای فهم و شناسایی ارتباطات درون‌گروهی به‌ویژه در جوامعی که در آن بی‌اعتمادی، تنفر و نزاع و ستیز داخلی وجود دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Andrew, 2010). در نتیجه وجود همبستگی و اعتماد اجتماعی در سطح جامعه می‌تواند دلالت بر وجود احساس نزدیکی و پذیرش اجتماعی در بین گروه‌ها و اقوام مختلف باشد که این امر هویت جمعی عام را در سطح اجتماع فراهم می‌آورد (عبداللهی و قادر زاده، ۱۳۸۳: ۱۸)

یک گروه قومی، گروهی است در داخل جامعه بزرگ‌تر که ویژگی فرهنگی یکپارچه‌ای از قبیل آداب و رسوم، رفتار، عقاید، تعاملات و زندگی مشترکی از خود نشان می‌دهند (Marger, 2014). چنین جامعه‌ای، زندگی طایفه‌مانندی دارد. این گروه‌های طایفه‌ای در کشوری مثل تانزانیا که از اقوام مختلفی تشکیل یافته است مناطق ویژه یعنی تقریباً قلمرو مرتبط با طایفه خود را اشغال می‌کنند. این مناطق با هر طایفه‌ای خاص خود مختار در سیاست، اقتصاد و مسائل فرهنگی و اجتماعی است. مثلاً گروهی قومی کوریا اغلب ترجیح می‌دهند که خودشان را از گروه تاریخی متمایز نمایند (Andrew, 2010).

در جوامع چند قومی، مراسم متفاوت، تصرف زمین و اختلافات مرزی، از بین رفتن نظم و انضباط بین جوانان، کشت ماری‌جوانا و تعصبات درون طایفه‌ای باعث نزاع و درگیری مکرر شده و منجر به افزایش فاصله اجتماعی بین آن‌ها شده است. در نتیجه بین آن‌ها تعاملی وجود ندارد (Fleisher, 2000: 134). چنین مسائل قومی و طایفه‌ای که باعث

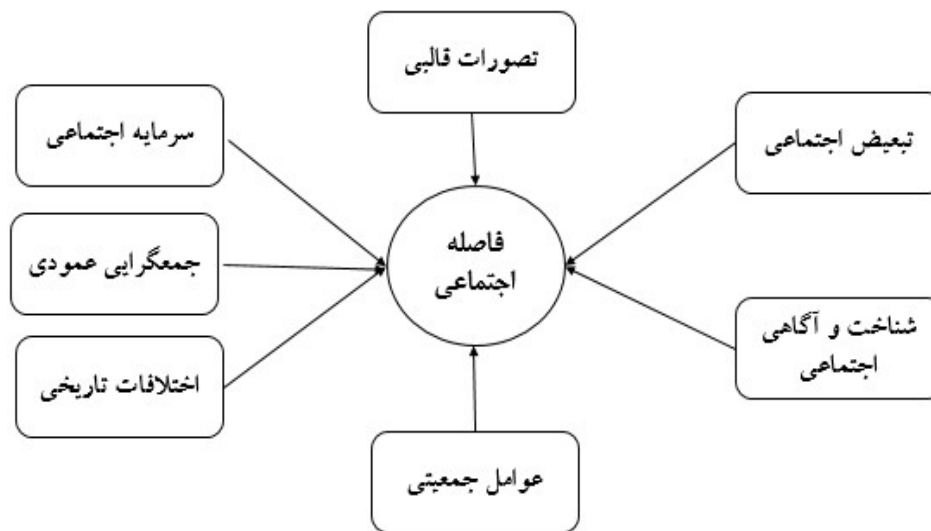
شیوع اختلافات شده، بر توسعه اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در این حالت در مسائل توسعه‌ای مثلاً ساخت مدارس و سایر فعالیت‌های اجتماعی تمایل به همکاری ندارند. سطح فاصله اجتماعی، منجر به تخریب منابع توسعه می‌شود (Iddy, 2007: 95-96).

هیل: به‌زعم هیل (۱۹۸۴) فاصله اجتماعی دو کارکرد دارد: ۱- فاصله اجتماعی به‌عنوان مکانیسم دفاعی منطقی و ذهنی در شرایط رقابتی ایجاد می‌شود. ۲- فاصله اجتماعی یک استراتژی برای اجتناب از برخورد و ستیزه بین اقوام است. هنگامی که فاصله اجتماعی زیاد بین اقوام وجود دارد. آن‌ها در هنگام بروز اختلافات فرهنگی بجای میانجی‌گری بیشتر بر داوری و قضاوت تمایل می‌یابند (Chan & Goto, 2003: 451). طبقه‌بندی اجتماعی بر اساس نظریه هویت اجتماعی، افراد و گروه‌ها را از هم متمایز می‌کند. قرار دادن افراد در یک طبقه صرف‌نظر از اینکه این گروه‌ها رقیب هم هستند یا نه، باعث تبعیض و شکل‌گیری عقاید خاص در مورد دیگران می‌شود و نظریه هویت اجتماعی باعث تقویت عقاید قالبی می‌شود (Brown, 2000). ارتباط بین مردم می‌تواند به دو حالت دوستانه -منسجم یا عقاید قالبی - نزادپرستانه باشد (Hogg, 1992: 73). معمولاً اختلافات تاریخی و جنگ مدنی اثر عینی و ملموس بر جا می‌گذارد از جمله اینکه اقوام را علیه هم تحریک می‌نماید و مرز بین آن‌ها را محکم‌تر نموده و از امکان برقراری ارتباط با یکدیگر ممانعت می‌نماید.

جنگ مدنی در افزایش فاصله اجتماعی و مرزبندی روابط بین آن‌ها تأثیر فراوانی دارد، نمونه چنین موردی در روابط قومی بین هرزگوین و بوسنی است. انواعی از بی‌اعتمادی، فاصله اجتماعی و احساس تنفر در میان قومیت‌ها اغلب منجر به نزاع و درگیری می‌شود (Rotberg, 2010). گافمن (Goffman, 1967: 39) استدلال می‌کند که نارضایتی اقوام نسبت به هم باعث بروز فاصله اجتماعی و نزاع مدنی می‌شود که این مسئله تحت تأثیر رفتار نخبگان اجتماعی - سیاسی است که از افسانه‌ها، نمادهای قومی و خاطرات تاریخی گذشته برای ایجاد اختلافات استفاده می‌کنند و باعث ایجاد تنش در روابط و نگرش تخصیصی نسبت به هم می‌شوند (Bakke, Cao, O'Loughlin, & Ward, 2007: 16).

سامنر: سامنر نیز برای سنجش فاصله اجتماعی از مفهوم درون گروه و برون گروه استفاده نموده است. به زعم وی، درون گروه با ویژگی‌هایی چون احساس ما بودن، وفاداری، فداکاری و یاری میان اعضا مشخص می‌شود و برون گروه از افرادی تشکیل شده که شخصی بین خود و آن‌ها منافع مشترکی نمی‌بیند و فرد به آن‌ها تعلق ندارد. این تمایزات می‌تواند مبنایی برای تخصیص‌ها و تبعیض‌ها در بین گروه‌های مختلف باشد و موجبات قوم‌مداری را فراهم نماید (گولد و کولب، ۱۹۸۰: ۸۱۰). بر این اساس، مدل مفهومی پژوهش به شرح ذیل است:

–مدل نظری پژوهش



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- بین میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه کاشان و فاصله اجتماعی بین قومی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین میزان تصورات قلبی دانشجویان دانشگاه کاشان و فاصله اجتماعی بین قومی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین احساس تبعیض اجتماعی دانشجویان دانشگاه کاشان و فاصله اجتماعی بین قومی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین میزان جمع‌گرایی عمودی دانشجویان دانشگاه کاشان و فاصله اجتماعی بین قومی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین میزان اختلافات تاریخی دانشجویان دانشگاه کاشان و فاصله اجتماعی بین قومی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین میزان شناخت و آگاهی اجتماعی دانشجویان دانشگاه کاشان و فاصله اجتماعی بین قومی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- فاصله اجتماعی برحسب محل سکونت، جنسیت و وضع تأهل تفاوت می‌پذیرد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش^۱ است. در این پژوهش ابزار اندازه‌گیری متغیرها و گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است که در آن مجموعه‌ای از گویه‌ها به شکل طیف لیکرت^۲ به پاسخگویان ارائه شد. جامعه آماری آن، تمامی دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه کاشان که بر اساس آمار اخذ شده جامعه آماری خوابگاه پسرانه برابر با ۱۲۵۰ نفر و خوابگاه دخترانه برابر با ۲۵۰۰ نفر است. حجم نمونه به دست آمده برای خوابگاه پسران برابر با ۲۲۰ و برای خوابگاه دخترانه برابر با ۲۴۱ نفر محاسبه گردید.

1. Survey
2. Likert Scale

پیمایش جامعه شناختی فاصله اجتماعی بین...، ذوالفقاری و همکاران | ۱۵۳

مجموع نمونه آماری پژوهش برابر با ۴۶۱ نفر هستند. برای سنجش میزان اعتبار و روایی مقیاس‌های اصلی از روش اعتبار صوری و برای سنجش پایایی ابزارهای تحقیق از ۳۰ پرسشنامه به‌عنوان پیش‌آزمون برای به دست آوردن ضریب آلفای کرونباخ اجرا و بعد از رفع گویه‌های مبهم، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند.

جدول ۲- پایایی شاخص‌های پژوهش

شاخص	گویه	ضریب آلفای کرونباخ
فاصله اجتماعی	صمیمی بودن با افرادی غیر هم قومی خود برای من دشوار است. تفاوت فرهنگی زیادی با افرادی غیر هم قومی خود دارم. در تفریح جمعی نمی‌توانم به راحتی با افراد غیر هم‌زبان و هم قوم رابطه عاطفی و گرمی داشته باشم. همیشه سعی می‌کنم فاصله خود را با دوستان غیر هم قومی حفظ کنم. اگر قصد ازدواج داشته باشم، هم قومی و هم‌زبانی اولویت اصلی من است. در برقراری ارتباط با همشهری و هم قوم خود احساس عجز نمی‌کنم	۰,۷۳
سرمایه اجتماعی	به هم قومی خود بیش از حد اعتماد دارم. می‌توانم وسایل شخصی‌ام را نیز به هم قومی خود بپردازم. نمی‌توانم اسرار شخصی را به افرادی از اقوام دیگر در میان بگذارم. هم قوم من کلید اسرار من محسوب می‌شوند. اگر مشکل خانوادگی برای من پیش بیاید، می‌توانم از افراد غیر هم قومی خود تقاضای همفکری و کمک نمایم. افراد هم قوم من آدم‌های اهل عمل و اعتماد هستند. نسبت به گروه قومی دیگر در سپردن مسئولیت، اطمینان ندارم.	۰,۷۸
تصورات قالبی	افراد غیر قوم من آدم‌های خودپسندی هستند. قوم من در مقایسه با سایر اقوام از هوش بالایی برخوردار است. افراد قوم من آدم‌های مهربانی هستند. اقوام دیگر آدم‌های منطقی هستند.	۰,۸۸

۰,۸۴	دوست ندارم با افرادی از قوم دیگر تعامل داشته باشم. برای من سخت است که به راحتی با غیر هم قومی خود رابطه برقرار کنم. در مسائل و مشکلات شخصی با افرادی از اقوام دیگر مایل به مشورت هستم. اگر قرار باشد معامله‌ای در میان باشد اول‌ازهمه هم قوم خود را ترجیح می‌دهم.	تبعیض اجتماعی
۰,۸۹	اولویت اول من در انتخاب دوست از هم قومی خویش است. دوست دارم باهم قومی خود اتاق انتخاب کنم. اگر به مسافرتی جمعی برویم، دوست دارم در کنار هم قومی خود باشم. مشکلاتی که برای هم قومی من پیش بیاید، مثل این است که برای من پیش آمده است.	جمع‌گرایی عمودی
۰,۷۹	معمولاً بین من و دوستانم در مورد مسائل قومی جروبحث پیش می‌آید. بین من با فردی از قومیت دیگر در برخی زمینه اختلافات عقیدتی وجود دارد. معمولاً کدورت و کینه‌ای بین من با افرادی از قوم دیگر پیش می‌آید. بر سر مسائل جزئی با افراد غیر هم قومی خود سوءتفاهم پیش می‌آید. از اینکه کسی جوکی راجع به قوم من تعریف کند واکنش نشان می‌دهم.	اختلافات تاریخی
۰,۷۳	شناختی نسبت به آداب و رسوم گروه قومی دیگر ندارم. می‌توانم ارزش‌های قوم دیگر را درک کنم. سعی می‌کنم شناخت خود را نسبت به اقوام دیگر بیشتر کنم. شناخت من نسبت به ویژگی قومی و فرهنگی اقوام دیگر کم است. در مورد آداب رسوم و اعتقادات اقوام دیگر اطلاعات زیادی ندارم.	شناخت و آگاهی اجتماعی

میزان آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص‌های تحقیق محاسبه شد و با توجه به اینکه همه این ضرایب در آزمون مقدماتی بزرگ‌تر از ۰,۷۰ می‌باشند، قابل قبول بوده و این

پیمایش جامعه شناختی فاصله اجتماعی بین...، ذوالفقاری و همکاران | ۱۵۵

موضوع نشان‌دهنده همبستگی درونی بین گویه برای سنجش متغیرهای موردنظر است. بدین ترتیب می‌توان گفت که ابزارهای تحقیق از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است.

یافته‌های توصیفی

- به لحاظ جنسیت؛ ۲۴۱ نفر (۵۲٫۲۷٪) از پاسخگویان زن، ۲۲۰ نفر (۴۷٫۷۳٪) مرد و به لحاظ وضعیت تأهل؛ ۱۹۰ نفر (۴۱٫۶۶٪) از پاسخگویان متأهل و ۲۷۱ نفر (۵۸٫۳۴٪) از آنان هم مجرد بودند.

- به لحاظ میزان تحصیلات؛ ۱۹۷ نفر (۴۲٫۷۳٪) کارشناسی، ۱۷۵ نفر (۳۷٫۹۶٪) کارشناسی ارشد و ۸۹ نفر (۱۹٫۳۱٪) دکتری بودند.

- به لحاظ محل تولد؛ ۲۲۴ نفر (۴۸٫۵۹٪) روستایی و ۲۳۷ نفر (۵۱٫۴۱٪) شهری بودند.

- به لحاظ گرایش‌های دینی؛ ۲۳۴ نفر (۵۰٫۷۵٪) شیعه، ۱۸۹ نفر (۴۱٪) سنی و ۳۸ نفر (۸٫۲۵٪) هم سایر ادیان را تشکیل می‌دادند.

- به لحاظ تعلقات قومی، ۹۱ نفر (۲۰٫۸۹٪) آذری، ۹۸ نفر (۲۱٫۲۵٪) کرد، ۹۱ نفر (۱۹٫۷۳٪) لر، ۱۳۹ نفر (۳۰٫۱۵٪) فارس و ۲۳ نفر (۴٫۹۸٪) بلوچ و ۱۸ نفر (۳٪) هم عرب بودند.

میزان فاصله اجتماعی بین قومی

جدول ۳، فاصله اجتماعی گروه‌های قومی را دوبه‌دو مقایسه و نشان داده است.

جدول ۳- میزان فاصله اجتماعی بین قومی

اقوام	میزان فاصله اجتماعی بین قومی (درصد)		
	کم	متوسط	زیاد
آذری و کرد	۷,۳۷	۱۴	۷۸,۶۳
آذری و لر	۲۸,۸۵	۲۱,۴۷	۴۹,۶۸
آذری و فارس	۲۷,۵۶	۲۹,۰۶	۴۳,۳۸
آذری و بلوچ	۱۶,۹۱	۳۳,۸۳	۴۹,۲۶
کرد و لر	۷۰,۲۸	۱۹,۳۰	۱۰,۴۲
کرد و فارس	۶,۰۷	۱۹	۷۴,۹۳
کرد و بلوچ	۳۶,۲۲	۱۹,۳۰	۴۴,۴۸
لر و فارس	۴۰,۹۹	۲۶,۶۸	۶۷,۶۷
بلوچ و فارس	۵۰,۷۵	۲۱,۴۷	۲۷,۲۸
آذری و عرب	۱۶,۹۸	۲۱,۲۵	۶۱,۸۲
عرب و فارس	۳۱,۴۵	۲۴,۲۹	۴۴,۲۶
عرب و کرد	۱۹,۰۸	۲۴,۶۳	۵۶,۲۹
عرب و بلوچ	۳۷,۵۲	۲۶,۵۳	۳۵,۹۵
عرب و لر	۲۱,۴۷	۴۰,۹۹	۳۷,۵۴

جدول ۴- توزیع پراکندگی متغیرهای پژوهش

شاخص	میانگین	انحراف معیار	سطح طبقات (درصد)		
			پایین	متوسط	بالا
سرمایه اجتماعی	۸۳,۱۲	۶,۵۴			
تصورات قالبی	۴۰,۱۲	۴,۶۷	۳۱,۴۵	۳۶,۲۲	۳۲,۳۳
تبعیض اجتماعی	۶۷,۱۹	۸,۵۴	۱۹,۳۰	۲۶,۸۹	۵۳,۸۱
جمع‌گرایی عمودی	۳۸,۱	۱۱,۷۱	۳۱,۰۱	۱۴	۵۴,۹۹
اختلافات تاریخی	۲۸,۳۳	۹,۴۴	۱۷,۱۳	۱۹,۷۳	۶۳,۱۴
شناخت و آگاهی	۱۲,۶۶	۵,۴۳	۱۴,۵۴	۴۰,۱۳	۴۵,۳۳
فاصله اجتماعی	۵۱,۸۱	۷,۷۹	۱۹,۳۲	۲۶,۲۴	۵۴,۴۴

جدول ۴، توزیع پراکندگی متغیرهای اصلی پژوهش نشان می‌دهد.

- تفاوت میانگین فاصله اجتماعی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای

جدول ۵- بررسی تفاوت فاصله اجتماعی برحسب جنسیت، سکونت و وضعیت تأهل

جنسیت	میانگین	t	df	sig
مرد	۵/۸۷	۶/۸۷	۴۵۹	۰,۰۰۰
	۴/۳۱			
زن				
محل سکونت				
شهر	۴/۷۸	۱۰/۱۴	۴۵۹	۰,۰۰۰
	۸/۰۲			
روستا				
تأهل				
مجرد	۴/۶۲	۸/۱۹	۴۵۹	۰,۰۰۰
متأهل	۳/۳۱			

جدول ۵ نتایج آزمون t یعنی معنی‌داری تفاوت میانگین فاصله اجتماعی را در ارتباط

با جنسیت، محل سکونت و وضع تأهل نشان می‌دهد. نتایج حاصل حاکی از آن است که:

- میزان فاصله اجتماعی بین قومی در مردان بیشتر از زنان است.
- میزان فاصله اجتماعی در بین روستاییان بیشتر از شهری‌هاست.
- میزان فاصله اجتماعی در بین افراد مجرد بیشتر از متأهل‌هاست.

همبستگی بین متغیرهای مستقل با فاصله اجتماعی

جدول ۶- سنجش روابط بین متغیرها برحسب آزمون ضریب همبستگی پیرسون

سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	متغیر مستقل
۰,۰۰۰	-۰,۲۳۱	اعتماد اجتماعی
۰,۰۰۰	-۰,۱۹۸	انسجام اجتماعی
۰,۰۰۲	-۰,۳۷۸	مشارکت اجتماعی
۰,۰۰۱	-۰,۴۴۳	کل

میزان سرمایه اجتماعی

۰,۰۰۰	۰,۳۸۴	میزان تعصب اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۴۵۶	میزان تصورات قالبی
۰,۰۰۰	۰,۱۷۳	میزان تبعیض اجتماعی
۰,۱۲۳	-۰,۰۱۲	میزان جمع‌گرایی عمودی
۰,۰۰۰	۰,۱۸۲	میزان اختلافات تاریخی
۰,۰۰۰	-۰,۳۷۱	میزان شناخت و آگاهی اجتماعی

رابطه بین سرمایه اجتماعی و فاصله اجتماعی: بین سرمایه اجتماعی و فاصله اجتماعی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۴۴۳- است. به این معنی که هر چه دانشجویان سرمایه اجتماعی بیشتری داشته باشند، میزان فاصله اجتماعی بین قومی آن‌ها کاسته شده و برعکس هر چه سطح سرمایه اجتماعی آن‌ها کم شود به همان میزان بر فاصله اجتماعی بین قومی آن‌ها افزوده خواهد شد.

رابطه بین تعصب اجتماعی و فاصله اجتماعی: بین تعصب اجتماعی و فاصله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۳۸۴ است. به این معنی هر چه گروه‌های قومی تعصب بیشتری نسبت به قومیت خود داشته باشند به همان میزان فاصله اجتماعی آن‌ها با دیگر اقوام بیشتر شده و به عکس هر چه گروه‌های قومی تعصب اجتماعی کمی نسبت به هم داشته باشند به همان میزان فاصله اجتماعی آن‌ها با گروه‌های قومی کاسته خواهد شد.

رابطه بین تصورات قالبی و فاصله اجتماعی: بین تصورات قالبی و فاصله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۴۵۶ است. هر چه تصورات قالبی بین گروه‌های قومی نسبت به هم بیشتر باشند، بر میزان فاصله اجتماعی بین آن‌ها افزوده خواهد شد. برعکس هر چه از سطح تصورات قالبی نسبت به هم کاسته شود از میزان فاصله اجتماعی نیز کاسته می‌شود.

رابطه بین تبعیض اجتماعی و فاصله اجتماعی: بین تبعیض اجتماعی بین قومی فاصله اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۱۷۳ است. در نتیجه هر چه تبعیض اجتماعی بین گروه‌های قومی بیشتر باشد به همان میزان فاصله اجتماعی بین آن‌ها افزایش یافته و برعکس هر چه تبعیض اجتماعی بین گروه قومی کاهش یابد از میزان فاصله اجتماعی بین آن‌ها کاسته می‌شود.

رابطه بین اختلاف تاریخی و فاصله اجتماعی: بین اختلاف تاریخی و فاصله اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۱۸۲ است. به این معنی که هر چه گروه‌های قومی دارای اختلاف تاریخی بیشتری نسبت به هم داشته باشند به همان میزان بر فاصله اجتماعی آن‌ها با اقوام دیگر افزوده می‌شود.

رابطه بین شناخت و آگاهی و فاصله اجتماعی: یافته نشان می‌دهد که بین میزان شناخت و آگاهی نسبت به هم و فاصله اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۳۷۱- است. به این معنی که هر چه میزان شناخت و آگاهی گروه‌های قومی نسبت به فرهنگ، آداب رسوم و ویژگی‌های قومی دیگر بیشتر باشد از میزان فاصله اجتماعی بین آن‌ها کاسته می‌شود.

- رگرسیون چندگانه

جدول ۷- آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه

۰,۴۷۰	ضریب همبستگی چندگانه
۰,۳۶۷	ضریب تبیین
۰,۳۴۹	ضریب تبیین تصحیح شده
۱۱,۸۷۱۲۱	اشتباه معیار
۲,۰۳۲	آزمون دوربین واتسون

ضریب همبستگی (R) بین متغیرها به میزان ۰,۴۷۰ نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. مقدار ضریب تبیین برابر با ۰,۳۶۷ و ضریب تبیین تصحیح‌شده ۰,۳۴۹ هست. بدین معنا که ۰,۳۴ درصد از کل تغییرات متغیر فاصله اجتماعی به وسیله متغیرهای موجود در مدل رگرسیونی تبیین می‌شود. جدول ۸ نشان می‌دهد در این میان سهم متغیرهای شناخت و آگاهی اجتماعی، اختلافات تاریخی و تعصب اجتماعی بیشتر است.

جدول ۸- آماره‌های تحلیل رگرسیون به تفکیک متغیرها

متغیر	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	T	سطح معنی‌داری
سرمایه اجتماعی	۰,۱۴۵	۰,۱۹۳	۲,۷۸۹	۰,۰۰۰
تعصب اجتماعی	۰,۲۳۱	۰,۳۱۴	۳,۱۸۹	۰,۰۰۰
تصورات قالبی	۰,۳۴۰	۰,۳۶۲	۳,۰۸۷	۰,۰۰۰
تبعیض اجتماعی	۰,۱۱۳	۰,۱۵۹	۲,۱۴۰	۰,۰۰۰
اختلافات تاریخی	۰,۳۰۴	۰,۲۴۳	۳,۵۴۸	۰,۰۰۰
شناخت و آگاهی اجتماعی	۰,۴۵۱	۰,۴۷۴	۴,۴۰۹	۰,۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

فاصله اجتماعی به درجه نزدیکی و دوری گروه و افراد اعم از عاطفی و فیزیکی اطلاق می‌شود. این مفهوم توسط بوگاردوس در قالب یک طیف برای سنجش و اندازه‌گیری فاصله بین گروه‌های قومی ساکن در محیط بکار رفت. رابرت پارک و زیمل با عنوان فاصله اجتماعی و بیگانه به مطالعه این مسئله پرداخته‌اند. فاصله اجتماعی در جوامع چند قومی امری عادی است. به‌زعم پارک، انسان بی‌تعصب معنا و مفهومی ندارد و هر فرد دارای تعصبی هستند که از طریق فاصله خود را با دیگران رعایت می‌کنند. مطابق آراء متفکران جامعه‌شناسی، فاصله اجتماعی یک مسئله اجتماعی مهم و قابل توجهی برای مطالعه و بررسی است.

جامعه ایران، جامعه‌ای چند قومی همراه با تنوع آداب و رسوم بوده و همین امر در کنار فواصل جغرافیایی اقوام و وقایع تاریخی در شکل گرفتن فاصله اجتماعی مؤثر بوده است. یکی از مکان‌هایی که امکان سنجش فاصله اجتماعی بین گروه‌های قومی وجود دارد، نهادهای دانشگاهی است که به دلیل غیربومی بودن آن، مملو از گروه‌های قومی متنوع ایرانی است. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش سنجش فاصله اجتماعی بین دانشجویان از گروه‌های قومی مختلف و عوامل مؤثر بر آن است. بر این اساس نتایج پژوهش نشان می‌دهد که:

- میانگین فاصله اجتماعی در بین مردان (۵/۸۷) بیشتر از زنان (۴/۳۱) است.

- میانگین فاصله اجتماعی در بین روستاییان (۸/۰۲) بیشتر از شهری‌ها (۴/۷۸) است.

- میانگین فاصله اجتماعی در بین افراد مجرد (۴/۶۲) بیشتر از مجردها (۳/۳۱) است.

- بین متغیر سرمایه اجتماعی و فاصله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۱ برابر با ۰,۴۴۳- و ضریب مسیر آن برابر با ۰,۱۹۳ است. هرچه سرمایه اجتماعی بین قومی بیشتر، فاصله اجتماعی نیز کمتر خواهد بود. این یافته با نتایج پژوهش هگندرن (۲۰۱۴)، صیدانی و همکاران (۱۳۸۸)، یوسفی (۱۳۸۱)، حیدری (۱۳۹۸)، یاماکاوا و همکاران (۲۰۰۹)، حاج زمانی (۱۳۸۶) و اندور (۲۰۱۲) همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند.

- بین متغیر تعصب اجتماعی و فاصله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۳۸۴ و ضریب مسیر آن برابر با ۰,۳۱۴ است که نتایج مطالعاتی مجا کندیدو (Kandido-Jakšić, 2008, Fleisher, 2000) و اصغر پور ماسوله (۱۳۸۸) و آلپورت (Allport et al., 1954) همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند.

- بین متغیر تصورات قالبی و فاصله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۴۵۶ و ضریب مسیر آن برابر با ۰,۳۶۲ است که نتایج مطالعات گودیگانست (۱۳۸۳)، مجا کندیدو (۲۰۰۸) و صیدانی و همکاران (۱۳۸۸) و یوسفی و اصغر پور ماسوله (۱۳۸۸) همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند.

- بین متغیر تبعیض اجتماعی و فاصله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۱۷۳ و ضریب مسیر آن برابر با ۰,۱۵۹ است که با نتایج پژوهش ایوان سبیر (Siber, 1997) همسو است.

- بین متغیر اختلافات تاریخی و فاصله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۱۸۲ و ضریب مسیر آن برابر با ۰,۲۴۳ است که با نتایج پژوهش مرگر (Marger, 2014)، ایدی (Iddy, 2007)، فیشر (Fleisher, 2000)، چان و گوتو (Chan & Goto, 2003)، روتبرت (Rotberg, 2010)، گافمن (Goffman, 1967)، تاجفل و فورگر (Tajfel & Forgas, 2000)، یوسفی (۱۳۸۱) و حیدرآبادی (۱۳۸۸) همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند.

- بین متغیر میزان شناخت و آگاهی اجتماعی و فاصله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد، ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ برابر با ۰,۳۷۱ و ضریب مسیر آن برابر با ۰,۴۷۴ است. شناخت و آگاهی اجتماعی، منجر به افزایش فهم و باورهای قومی و درنهایت مدارای اجتماعی بین اقوام شده و این وضعیت، فاصله اجتماعی بین گروه‌های اجتماعی (قومی و غیر قومی) را کاهش می‌دهد. شناخت و آگاهی، از همدیگر، بسترهای تصورات قالبی و پیش‌داوری را کاهش و به دلیل توسعه آگاهی و دانش نسبت به فرهنگ، خلیات و خصایص یکدیگر، فاصله اجتماعی را نیز کاهش می‌دهد.

پیشنهاد‌های پژوهش

۱. افزایش سرمایه اجتماعی بین دانشجویان (تعامل مناسب دانشجویان برحسب اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی)
۲. کاهش تعصب اجتماعی (ایجاد مدارای اجتماعی بین گروه) از طریق آموزش، برگزاری کارگاه و دوره‌های آموزشی

پیمایش جامعه شناختی فاصله اجتماعی بین...، ذوالفقاری و همکاران | ۱۶۳

۳. تقویت شناخت اقوام و دانشجویان نسبت به همدیگر و برگزاری فضا و بستر مناسب

بین آنها برای کاهش تصورات قالبی

۴. برخورد مناسب بین دانشجویان در نهادها، دانشگاه و مؤسسات آموزشی و تأمین

عدالت اجتماعی در بین دانشجویان در تدریس، اختصاص امکانات دانشگاهی و اماکن

عمومی

۵. کمک به کاهش پنداشت قومی منفی از همدیگر از طریق واحدهای درسی مرتبط

با مزایا تنوع قومی و اصلاح نگرش نسبت به باورهای عمومی

منابع

- جعفر محمدی، سمانه؛ انصاری، مجتبی و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۸)، «رعایت فواصل انسانی و افزایش امنیت اجتماعی»، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، دوره ۲، شماره ۷: ۱۳۷-۱۵۶.
- حاج زمانی، محمد. (۱۳۸۶)، «فرآیند سرمایه اجتماعی در چشم‌انداز توسعه پایدار جامعه»، در همایش منطقه‌ای سرمایه اجتماعی، چالش‌ها و راهکارها.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹)، «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر آن: مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران»، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۱، شماره ۱: ۳۹-۶۶.
- حیدری ساریان، وکیل. (۱۳۹۸)، «تبیین رابطه سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۲، شماره ۶: ۴۵-۶۲.
- زیبرا، مارتین. (۱۳۸۵)، نظریه‌های جامعه‌شناسی پردشدگان اجتماعی. ترجمه: سید حسین حسینی، تهران: انتشارات آن.
- صیدایی، سید اسکندر؛ احمدی‌شاپورآبادی، محمدعلی و معین‌آبادی، حسین. (۱۳۸۸)، «دیاچهای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در ایران»، راهبرد توسعه، دوره ۱۹، شماره ۱: ۱۸۸-۲۲۵.
- عبداللهی، محمد؛ قادرزاده، امید. (۱۳۸۳)، «فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲۴: ۱-۳۶.
- کوزر، لوئیس آلفرد. (۱۳۸۹)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر سمت.
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی هویت در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- گودیکانستگ، ویلیام بی. (۱۳۸۳)، پیوندها و تفاوت‌ها؛ راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی، ترجمه: علی کریم‌مله، علی هاشمی و محمد هاشمی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- گولد، جولوس و کولب، ویلیام. (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: محمدجواد زاهدی، تهران: مازیار.

پیمایش جامعه شناختی فاصله اجتماعی بین...، ذوالفقاری و همکاران | ۱۶۵

- یاندریس، هری تر. (۱۳۸۹)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه: نصرت فتی، تهران: نشر رسانش.
- یوسفی، علی. (۱۳۸۰)، «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، مطالعات ملی، شماره ۸، دوره ۲: ۱۱-۴۲.
- یوسفی، علی و اصغر پور ماسوله، احمدرضا. (۱۳۸۸)، «قوم مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱، شماره ۱: ۱۲۵-۱۴۴.
- Akerlof, George A. (1997). "Social distance and social decisions". *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, NO12: 1005-1027.
- Allport, Gordon Willard; Clark, Kenneth; & Pettigrew, Thomas. (1954). *The nature of prejudice*. India: Gospons
- Andrew, Gissa. (2010). "The influence of prejudice on inter clan conflicts among the Kuria ethnic group in Tanzania". *Research on Humanities and Social Sciences* ISSN, 2222-1719, (Online) Vol 2, No.10: 2222-2863
- Bakke, Kristin M; Cao, Xun; O'Loughlin, John; & Ward, Michael D. (2007). "Social Distance in Bosnia and the North Caucasus Region of Russia". *Unpublished manuscript, University of Washington at Seattle. Retrieved March, 26, 2009.*
- Bobo, Lawrence; & Kluegel, James. (1997). "Status, ideology, and dimensions of Whites' racial beliefs and attitudes: Progress and stagnation". *Racial attitudes in the 1990s: Continuity and change*, 93-120.
- Bogardus, Emory S. (1940). "Scales in social research". *Sociology and Social Research*, 24, 69-75.
- Bogardus, Emory S. (1992). "Social Distance and Its Origins." *Journal of Applied Sociology* 9 (1925): 216-226.
- Brown, Rupert. (2000). "Social identity theory: Past achievements, current problems and future challenges". *European journal of social psychology*, 30(6), 745-778.
- Chan, Darius K- S; & Goto, Sharon G. (2003). "Conflict resolution in the culturally diverse workplace: Some data from Hong Kong employees". *Applied Psychology*, 52(3), 441-460.
- Fleisher, Michael L. (2000). *Violence and vigilantism on the Tanzania/Kenya frontier*. Michigan: University of Michigan Press.
- Foster, L. (2009). *The 21st Century Taxi Driver: An Examination of the Hidden Injuries of Race in Urban Canada*. Brock University, Faculty of Social Sciences, Department of Sociology

- Fukuyama, Francis. (1995). "Social capital and the global economy". Council on Foreign Relations. Vol. 74, No. 5 : pp 89-103
- Goffman, Erving. (1967). Interaction ritual. New York: *Garden City*.
- Hagendoorn, L. (2014). "The relations between cultures and groups", *Utrecht, The Netherlands: Universiteit Utrecht*.
- Herring, Cedric; & Amisshah, Charles. (1997). "Advance and retreat: Racially based attitudes and public policy". *Racial attitudes in the 1990s: Continuity and change*, PP: 121-143.
- Hogg, Michael A. (1992). *The social psychology of group cohesiveness: From attraction to social identity*. New York; London: Harvester.
- Iddy, R. (2007). Ethnic conflicts in Tarime from the late pre colonial period to present. *Unpublished master's dissertation. University of Dar es Salaam: Dar es Salaam*.
- Kandido-Jakšić, Maja. (2008). "Social distance and attitudes towards ethnically mixed marriages". *Psihologija, Psychology, Sociology, Military history, Inter-Ethnic Relations*, 41(2): 149-162.
- Karakayali, Nedim. (2009). "*Social distance and affective orientations*", 1. Presented at the Sociological Forum, Wiley Online Library. Vol. 24: 538-562
- Malesevic, Sinisa. (2004). *The sociology of ethnicity*. Ireland: University College Dublin.
- Marger, Martin N. (2014). *Race and ethnic relations: American and global perspectives*. Cengage Learning.
- Matthews, Justin L; & Matlock, Teenie. (2011). Understanding the link between spatial distance and social distance. *Social Psychology*.
- Morrissey, Marietta. (1992). "Exploring social distance in race and ethnic relations courses". *Teaching sociology*, 20(2), 121-124.
- Omondi, Scholastica; & Scarboro, Allen. (2014). *Social Distance in Today's Istanbul: Politics and Exceptionalism*. Political Science, Corpus ID: 159421511
- Opara, PAU. (1968). "Social distance attitude of nigerian students". *Phylon (1960-)*, 29(1): 13-18.
- Rotberg, Robert I. (2010). "One The Failure and Collapse of Nation-States: Breakdown, Prevention, and Repair". In *When states fail* (pp. 1-50). Princeton University Press.
- Sanders, Carol. (1993). *French today: language in its social context*. Cambridge University Press.
- Siber, Ivan. (1997). Psychological approaches to ethnic conflict in the territories of former Yugoslavia. u: Janjić Dušan [ur.]. *Ethnic conflict management: The case of Yugoslavia, Ravenna*: Longo Editore, 106.

- Simmel, Georg. (2015). *Soziologie: Untersuchungen über die formen der vergesellschaftung*. BoD–Books on Demand.
- Tajfel, Henri. (2010). *Social identity and intergroup relation*. New York: Cambridge University Press
- Tajfel, Henri; & Forgas, Joseph P. (2000). *Social categorization: Cognitions, values and groups*. New York: Cambridge University Press
- Turner, John C. (1999). "Some current issues in research on social identity and self-categorization theories". *Social identity: Context, commitment, content*, 3(1): 6-34.
- Yamakawa, Y; Kanai, R; Matsumura, M; & Naito, E. (2009). "Social Distance Evaluation in Human Parietal Cortex". *PLoS ONE*, 4(2), e4360.